

**Original Article**

**The Role of Non-Governmental Organizations in Iran's Criminal Policy towards Environmental Protection**

**Baqer Pourhoseyni<sup>1</sup>, Gholamhossein Masoud<sup>2\*</sup>, Mohsen Shekarchizadeh<sup>3</sup>**

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

3. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 1 Feb 2020 Accepted: 23 Sep 2020

**Abstract**

**Background and Aim:** Preventive criminal policy is a branch of criminal policy that aims to determine and propose non-criminal measures to prevent delinquency in a community or a limited population. Entering the discussion of prevention in different areas can be for different reasons and interests. Regarding environmental issues, in addition to the issue of inefficiency of penalties, the requirements related to environmental issues, including the irreparable nature of many damages that are directly related to human life and the preservation of various natural issues, are doubly important to discuss prevention in this Gives.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Findings:** The degree of intervention of individuals, the form of intervention, regulatory bodies and attention to basic human rights are among the issues that should be considered in the participation of people in crime prevention and its aspects should be well explained. Strategies based on social crime prevention by providing the grounds for human growth and excellence in public life, and since they often do not conflict with the private security and privacy of citizens, they are considered as useful and desirable solutions in prevention studies; however, studies show that these strategies are not able to prevent all crimes.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** Education and raising public awareness, the educational role of the actions of citizens and non-governmental organizations, the educational role of mass media, situational prevention, the supervisory role of individuals in environmental crimes, the supervisory function of non-governmental organizations, the supervisory function of mass media. The mass media in the form of popular observers and a wide audience can force these sectors to abide by the law and be cautious in their activities by choosing specific topics and focusing on the activities of the private sector. In this regard, ensuring the independence of the media as much as possible in creating a sense of trust in the media in the people is very important.

**Keywords:** NGOs; Iran's Criminal Policy; Environmental Protection

**Please cite this article as:** Pourhoseyni B, Masoud GH, Shekarchizadeh M. The Role of Non-Governmental Organizations in Iran's Criminal Policy towards Environmental Protection. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 337-351.*

## نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست جنایی ایران در قبال حفاظت محیط زیست

باقر پورحسینی<sup>۱</sup>، غلامحسین مسعود<sup>۲\*</sup>، محسن شکرچی‌زاده<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲

### چکیده

**زمینه و هدف:** سیاست جنایی پیشگیری، شاخه‌ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام‌های غیر کیفری به منظور پیشگیری از بزه‌کاری در جامعه یا یک جمعیت محدود است، ورود به بحث پیشگیری در حوزه‌های متفاوت می‌تواند با دلایل و بنا بر مصالح متفاوت باشد. در خصوص موضوعات محیط زیستی، علاوه بر مسأله ناکارآمدی کیفرها، الزامات مربوط به موضوعات محیط زیستی از جمله خصوصیت غیر قابل جبران بودن بسیاری از آسیب‌ها که رابطه مستقیم با حیات و زندگی بشریت و حفظ انواع موضوعات طبیعی دارند، اهمیت دوچندانی به بحث پیشگیری در این حوزه می‌دهد.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** میزان مداخله افراد، شکل مداخله، نهادهای ناظر و توجه به حقوق اساسی بشری از اموری است که در مشارکت‌دهی مردم در امر پیشگیری از جرم باید مد نظر قرار گیرد و جوانب آن به خوبی تبیین گردد. راهبردهای مبتنی بر پیشگیری اجتماعی از جرم با فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی انسان در زندگی جمعی و از آنجا که غالباً منافاتی با امنیت خصوصی و خلوت شهروندان ندارند، از راهکارهای مفید و مطلوب در مطالعات پیشگیری به حساب می‌آیند، اما به هر حال مطالعات نشان می‌دهد که این راهبردها قادر به پیشگیری از وقوع همه جرائم نیستند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** آموزش و بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، نقش آموزشی اقدامات شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی، نقش آموزشی رسانه‌های گروهی، پیشگیری وضعی، نقش نظارتی افراد در جرائم محیط زیستی، کارکرد نظارتی سازمان‌های مردم‌نهاد، کارکرد نظارتی رسانه‌های گروهی می‌باشد. رسانه‌های گروهی در شکل ناظرانی دارای مقبولیت و مخاطبان گسترده مردمی می‌توانند با انتخاب موضوعات خاص و تمرکز بر فعالیت‌های بخش‌های خصوصی این بخش‌ها را وادار به رعایت قانون و احتیاط در فعالیت‌های خود نمایند. در این راستا تأمین استقلال هرچه بیشتر رسانه‌ها در ایجاد حس اعتماد نسبت به رسانه‌ها در مردم، بسیار بااهمیت است.

**واژگان کلیدی:** سازمان‌های مردم‌نهاد؛ سیاست جنایی ایران؛ حفاظت محیط زیست

## مقدمه

محیط زیست به عنوان بستر رشد و تکامل بشری، پیکره واحدی است که همه اجزای آن به هم مرتبط و پیوسته است و بقا و تکامل انسان مستلزم بقا و حفظ تعادل و تناسب همه اجزا آن است. آلودگی‌ها و تخریب‌های انجام‌شده توسط انسان نه تنها حیات خود او، بلکه حیات و موجودیت سایر عناصر طبیعت را نیز تحت تأثیر قرار داده است و در این میان، این خود انسان است که با قوه تفکر و دوراندیشی تنها موجودی است که قادر به ترمیم وضع موجود و جلوگیری از فجایع بعدی است؛ مشکلات محیط زیستی می‌تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهمی را برای دولت‌ها ایجاد نماید. طی دهه‌های اخیر، حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از پایه‌های امنیت ملی درآمده است (۱). روند رو به رشد تخریب محیط زیست و گسترش آلودگی‌های محیط زیستی که دارای طبعی مرز گذر هستند و افزایش آگاهی‌های جهانی در خصوص تهدیداتی که با توجه به این روند تخریب و آلودگی در آینده با آن درگیر خواهیم شد، جامعه جهانی را به سمت هم‌اندیشی و اتخاذ رویه مناسب در خصوص استفاده صحیح از منابع طبیعی و همکاری دولت‌ها و ملت‌ها در حفظ آن سوق داده است که منجر به شکل‌گیری اصول متعدد، از جمله اصل پیشگیری و اصل مشارکت در حوزه حقوق محیط زیست شده است (۲).

یکی از مؤثرترین و آسان‌ترین راه‌های پاسخ به جرائم زیست‌محیطی و حمایت از عناصر زیستی، دخالت‌دادن مردم در این زمینه و آگاه‌سازی آن‌ها به وجود رابطه تنگاتنگ میان استمرار حیات و ارتقای کیفیت زندگی خویش با محیط زیست سالم و منابع طبیعی حمایت‌شده می‌باشد (۳)؛ نظر به این‌که عناصر زیست‌محیطی و طبیعی، میراث کل بشر است و مطابق اصل پنجاهم قانون اساسی حفاظت از آن‌ها وظیفه عمومی محسوب می‌شود، این وظیفه نسبت به همه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و همه سازمان‌ها اعم از عمومی و خصوصی تعهد ایجاد کرده است.

مقاله حاضر تلاشی است در راستای بررسی و ارائه بحثی مفید در خصوص اهمیت بهره‌گیری از یک مدل مشارکتی

جهت پیشگیری و مقابله با آسیب‌های محیط زیستی و نظر به بند ۱ سیاست‌های کلی محیط زیستی ابلاغ‌شده در آبان‌ماه ۱۳۹۴ به رؤسای قوا در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و با در نظر گرفتن دغدغه‌های کنونی در این حوزه حساس و پیچیده خواهیم دید که محیط زیست‌گرایان چرا و چگونه به سمت حمایت از رویکردهای مشارکتی متمایل شده‌اند. در ادامه به جایگاه اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست و مؤلفه‌های آن خواهیم پرداخت. پرداختن به مطالب مذکور طرح موضوعی است تا با توجه به گسترش نظریات مشارکتی در مباحث سیاست جنایی و اهمیت آن در حوزه محیط زیست، وضعیت فعلی کشورمان را در این خصوص مورد بررسی قرار دهیم و به این مسأله بپردازیم که چگونه می‌توان از پیشرفت‌های حاصل‌شده در این زمینه در راستای حفاظت از محیط زیست، در قالب یک سیاست جنایی مشارکتی محیط زیستی استفاده کرد و از نتایج پیشگیرانه و مقابله با آسیب آن بهره جست.

در واقع در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که در سیاست جنایی ایران چه نقش‌هایی برای سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی قانونگذار در راستای حفاظت از محیط زیست در نظر گرفته شده است؟ فرضیه اصلی در پژوهش حاضر این است که قانونگذار در مراحل مختلف رسیدگی به جنبه‌های کیفری، از جمله مرحله تحقیقات، مرحله رسیدگی در دادگاه، نقش‌های مختلفی، از جمله قرارگرفتن در مقام «طرف دعوی»، کمک به تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات و گزارش‌ها و... برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته است.

به تعبیری در این پژوهش با مطالعه سیاست جنایی ایران و با در نظر گرفتن ملاحظات جرم‌شناسانه و حقوقی، سعی بر آن داریم تا به تحلیل مبانی و کارکردهای نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در قبال جرائم علیه محیط زیست پرداخته و نقاط ضعف و ابهام این سازمان‌ها را برجسته سازیم؛ باشد که با بیان آن‌ها و ارائه پیشنهاداتی در جهت مرتفع‌نمودن مشکلات و ابهامات مربوط به ورود سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم علیه

محیط زیست، از موانع موجود بر سر راه حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه جدید مشارکت آن‌ها، کاسته شود.

### ۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اهمیت شناساندن ظرفیت‌های بالقوه فراوان نهادهای جامعه، بالاخص سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت حمایت از محیط زیست، عدم شناخت جایگاه این سازمان‌ها در سیاست جنایی، علاقه شخصی نگارنده و عدم وجود پژوهش تخصصی، انجام چنین مقاله‌ای را توجیه و ضروری‌تر می‌سازد.

### ۲- ادبیات و پیشینه تحقیق

تحقیقاتی در زمینه سازمان‌های مردم‌نهاد صورت گرفته، ولی در زمینه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در قبال جرائم علیه محیط زیست کم‌تر پژوهشی نگارش شده است؛ با این اوصاف پژوهش‌های صورت گرفته از قرار ذیل است:

- داداشی چکان و بیگی (۴): مقاله‌ای با عنوان «نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در دعاوی زیست‌محیطی (با رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری جدید)» در مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد منتشر شده و نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند که جرم تلقی نمودن اقدام‌های آلاینده و مخرب و ارائه پاسخ‌های کیفری مناسب و مؤثر می‌تواند بسیار گره‌گشا باشد. بنابراین بایستی ضمن آگاهی یافتن از عوامل و منابع آلاینده و زیان‌بار، اقدام‌های یادشده دارای وصف و عناوین مجرمانه می‌گردیدند و وارد قلمرو قوانین جزایی می‌شدند که تلاش‌هایی نیز در این باره چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی صورت پذیرفته است. با این حال مقنن ایران در طی سالیان گذشته با عدم توجه به مسائل زیست‌محیطی و موارد مبتلا به در آن عملکرد ضعیفی تا زمان تصویب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری داشته است.

- میرمعصوم‌نژاد (۵): مقاله‌ای با عنوان «بررسی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه با جرائم علیه محیط زیست» در مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد منتشر شده و نگارنده به این نتیجه رسیده‌اند که پیش‌بینی ماده‌ای در قانون آیین دادرسی کیفری جدید قطعاً در پیشگیری از جرائم علیه محیط زیست راه‌گشا خواهد بود، چه امکان مشارکت نهادهای مردمی که با دلسوزی و داوطلبانه

جهت حفظ این نعمت خدادادی قدم برمی‌دارند - در مقایسه با نهادهای رسمی که این امر جزئی از وظایف سازمانی آن‌ها به شمار می‌آید - می‌تواند باعث پیشگیری از جرائم مربوط به این حوزه شود. علاوه بر این وجود این سازمان‌ها و انجمن‌ها تبلور مشارکت مدنی در فرآیند کیفری است. این نوشتار به بررسی محاسن و چالش‌های ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری در زمینه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پرونده‌های کیفری مربوط به محیط زیست و نقش آن‌ها در پیشگیری از جرائم این حوزه پرداخته است.

- مهدوی و علی‌نژاد (۲): مقاله‌ای با عنوان «دموکراسی محیط زیستی؛ رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط زیستی» به این نتیجه رسیده‌اند که اصل مشارکت، یکی از مهم‌ترین این اصول می‌باشد. اندیشمندان حوزه محیط زیست معتقدند، با توجه به ماهیت مورد نزاع مسائل محیط زیستی که عمدتاً ناشی از تفاوت در ارزشگذاری‌هاست، بهترین روش سیاستگذاری در حوزه مسائل محیط زیست، تهیه و اعمال مدل‌های مشارکتی است. دولت‌ها و شهروندان دوپایه اصلی در این حوزه هستند؛ امروزه مشارکت مردم در به اجرا درآوردن قواعد محیط زیستی، به عنوان یک جزء جدانشدنی از حقوق محیط زیست درآمده که خود دارای الزاماتی است که تحت عنوان حقوق دسترسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فراهم کردن زمینه تحقق مؤلفه‌های اساسی مشارکت‌های محیط زیستی از الزامات پایه‌ریزی یک سیاست جنایی منسجم و کارآمد است و در عمل، نتایج قابل توجهی در حوزه پیشگیری و مبارزه با جرائم و آسیب‌های محیط زیستی خواهد داشت.

- رضانی قوام‌آبادی (۶): مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر نقش و جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در دعاوی کیفری زیست محیطی» به این نتیجه رسیده است که یکی از اقدامات مهم برای حراست از محیط زیست، اقدامات کیفری بازدارنده است. از طرفی ذی‌نفع بودن محیط زیست همواره موجب شکست در دعاوی مطروحه بوده، اما تعیین ذی‌نفع با بزه‌دیده جرائم زیست‌محیطی اقدامی شایسته در راستای حفظ منافع این نهاد است. همچنین می‌توان با ایجاد فضای مناسب برای افزایش فعالیت نهادهای مدنی در دعاوی مذکور، به حمایت از محیط

که آن‌ها در موضوعات متنوعی اعم از محیط زیست، بشری، امدادی، فقرزدایی، پزشکی، حمایتی، حقوقی و... و بدون قیدی برای فراگیری، در سطح منطقه‌ای، کشور و جهانی فعالیت می‌کنند (۸). از طرفی، این سازمان‌ها بر اساس ساختار داخلی حکومت‌ها تشکیل شده و فعالیت می‌کنند (۹). همچنین رویه و ادبیات واحدی برای به کارگیری این اصطلاح دیده نمی‌شود (۱۰)، چراکه ماهیت فعالیت‌های متعدد آنان، گوناگون و مختلف است و بیشتر شامل دانش‌های میان‌رشته است (۱۰). از این رو با لحاظ جمیع عوامل مذکور، ارائه تعریفی کلی، بسیار سخت و شاید ناممکن باشد.

تعاریف متعدد از سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان به دو دسته تعاریف رسمی و غیر رسمی تقسیم نمود. تعاریف رسمی تعاریفی هستند که قانونگذاری و مراجع رسمی در این خصوص ارائه داده‌اند و تعاریف غیر رسمی تعاریفی را دربر می‌گیرند که اندیشمندان و صاحب‌نظران از سازمان‌های مردم‌نهاد به عمل آورده‌اند. قانونگذاران چه در سطح ملی و چه بین‌المللی و همچنین مراجع و نهادهای رسمی به فراخور حیطة فعالیت خود، تعاریف مختلفی از سازمان‌های مردم‌نهاد عرضه کرده‌اند. مهم‌ترین این تعاریف را چنین می‌توان برشمرد:

#### ۱-۱- شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد:

در راستای کم و کیف ارتباط سازمان ملل متحد با سازمان‌های مردم‌نهاد از حیث مشورت‌گرفتن، ماده ۷۱ منشور سازمان ملل به شورای اقتصادی اجتماعی آن سازمان اختیار داده است که در این خصوص شیوه‌ای معین نماید که منجر به تصویب قطع‌نامه بسیار مهم ۱۹۹۶ گردید این مصوبه، دارای اهمیت بسیار زیادی در خصوص چگونگی ارتباط سازمان ملل با دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد است (۹). ماده ۱۲ این قطع‌نامه سازمان‌های مردم‌نهاد را به نحو سلبی این‌گونه تعریف می‌نماید: «... هرگونه سازمانی که از طریق یک موجودیت دولتی با موافقت‌نامه بین‌الدولی تشکیل نشود...» (۱۱). در خصوص کمک‌های مالی که دولت‌ها به این سازمان‌ها می‌کنند نیز مقرر می‌دارد که آن کمک‌ها را به سازمان ملل بدهند و تأمین مخارج و هزینه‌های سازمان را به وسیله حق عضویت اعضای خود تهیه کنند (۸).

زیست پرداخت. در این مقاله با بررسی چگونگی نقش سازمان‌های غیر دولتی با توجه به قوانین موجود، به راهکارها جهت کارآمدی بهتر نهادهای مرتبط پرداخته است.

- مقیمی (۷): مؤلف در این مقاله به زبان لاتین به بررسی رابطه عوامل زیست‌محیطی و کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته است، این مقاله ابتدا نقش و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را در توسعه بیان می‌نماید و سپس به طور اجمال عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد را در توسعه به خصوص در توسعه حقوق محیط زیست بررسی می‌نماید تا مشارکت و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در توسعه حقوق محیط زیست ارزیابی نماید.

#### مواد و روش‌ها

روش تحقیق تحلیلی و توصیفی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام می‌شود. اطلاعات حاضر به وسیله فیش‌برداری و فرم‌های مربوطه جهت گردآوری نکات تهیه شده، بدین‌صورت که بعد از مآخذیابی مطالب جمع‌شده، به تهیه پلن و فهرستی از ساختار مقاله پرداخته شده و مطالب در جایگاه خود با توجه به عنوان مربوطه و تقسیمات موضوعی و سیر منطقی بحث، مندرج و داده‌های مقاله به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین مآخذگذاری نیز به روش علمی صورت پذیرفته است.

#### ۱- مفهوم سازمان‌های مردم‌نهاد

برای تعریف سازمان‌های مردم‌نهاد باید توجه داشت که به واسطه زیادبودن ساختارها و حوزه بسیار گسترده فعالیت‌های آنان و اقسام آن‌ها، نمی‌توان تعریف مشخص و شفافی که شامل همه انواع و اهداف آن‌ها بشود، ارائه کرد. درباره گستردگی و تنوع فعالیت این سازمان‌ها، ذکر این نکته کفایت می‌کند که هر کدام از این سازمان‌ها، اگرچه در ابتدا برای فعالیت‌های خاصی، مثلاً برای مردم جنگ‌زده یا برای کاهش فقر تأسیس شده باشند، در آینده می‌توانند در دیگر زمینه‌ها که در حوزه فعالیت‌های جامعه مدنی باشد نیز فعالیت کنند. به عبارت دیگر یکی از عواملی که ارائه تعریفی جامع و مانع از مفهوم و قلمرو سازمان‌های مردم‌نهاد را سخت می‌کند، اینست

**۲-۱- اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد:**

ارتباط سازمان‌های مردم‌نهاد در سراسر دنیا با سازمان ملل متحد از طریق اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل انجام می‌شود (۸)، این سازمان که با بیش از ۱۳۰۰ سازمان مردم‌نهاد در ارتباط است، تعریفی قابل توجه از سازمان مردم‌نهاد ارائه می‌دهد: «هر سازمان غیر دولتی که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علائق مشترک آن را اداره می‌کنند. خدمات انسان‌دوستانه، توجه‌دادن مردم به اعمال دولت‌ها، نظارت بر سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در امور خارجه در شمار فعالیت‌های این سازمان‌ها قرار می‌گیرد. سازمان‌هایی از این دست با تحلیل و کارشناسی امور، نقشی مشابه سازوکارهای هشداردهنده را بازی می‌کنند» (۱۲).

**۳-۱- شورای اروپا: کمیته وزیران شورای اروپا در اکتبر**

سال ۲۰۰۷ توصیه نامه (۱۴) ۲۰۰۷ در خصوص وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در اروپا (۱۳) را به تصویب رساند که در بند اول از ماده ۱ آن، سازمان‌های مردم‌نهاد این‌گونه تعریف شده‌اند: «بر اساس مفاد این توصیه‌نامه، سازمان‌های مردم‌نهاد موجودیت‌های مستقل و داوطلبانه‌ای هستند که برای نیل به اهدافی ضرورتاً غیر انتفاعی برای مؤسسان و اعضا، تشکیل گردیده‌اند.»

**۴-۱- قانون اول ژوئیه ۱۹۰۱ فرانسه: قانونگذار فرانسوی**

در قانون قدیمی مصوب اول ژوئیه سال ۱۹۰۱ با عنوان «قانون مربوط به قرارداد تشکله‌ها» که به قانون اول ژوئیه ۱۹۰۱ معروف گشته است، خیلی زود به استقبال فعالیت تشکله‌های غیر دولتی رفته است. ماده ۱ این قانون، تشکله‌های مردمی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «تشکل قراردادی است که بر طبق آن دو یا چند شخص دانسته‌ها یا فعالیت‌های خود را به نحو دائمی، در راه نیل به هدفی غیر از کسب منفعت در میان می‌نهند...» (۱۴).

**۵-۱- آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های**

**مردم‌نهاد:** با تحقیق در قوانین داخلی و جاری در خصوص یافتن تعریفی از سازمان‌های مردم‌نهاد، به ماده ۱ «آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد» هیأت وزیران

برمی‌خوریم که در ۲۹ خرداد ۱۳۸۴ به تصویب رسیده است. این ماده در تعریف نسبتاً کامل خود اشعار می‌دارد: «... تشکله‌هایی که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیر انتفاعی و غیر سیاسی می‌باشد.»

**۶-۱- طرح جدید تأسیس، فعالیت و نظارت بر**

**سازمان‌های مردم‌نهاد:** در سال ۱۳۸۹ نیز طرح قانون «تأسیس و فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد» در قالب ۲۶ ماده در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که شاهدهی بر تحول در زمینه نگرش قانونگذار به سازمان‌های مردم‌نهاد است. در تعریف سازمان‌های مذکور، ماده یک این قانون اشعار می‌دارد: «سازمان مردم‌نهاد که از این پس در این قانون به اختصار سمن نامیده می‌شود، به تشکلی اطلاق می‌گردد که در راستای اهداف عام‌المنفعه و صنفی توسط گروهی از اشخاص حقیقی و حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات ذیل در چارچوب قانون اساسی، مبانی اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده و واجد شرایط غیر انتفاعی و غیر سیاسی است.»

**۲- سمت سمن‌ها در فرآیند دادرسی کیفری**

مداخله در دادرسی نیازمند سمت است؛ «سمت» یا «Jocus Standi» عبارت است از حق اقامه دعوی در دادگاه برای بازنگری قضایی یک تصمیم، فعل یا ترک فعل، یا ادعای جبران خسارت یا درخواست اجرای قانون (۱۵). نقش حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی‌های کیفری تاکنون تحت سه عنوان یا سمت تحقق یافته است: به عنوان «مدعی خصوصی» مانند فرانسه، به عنوان «شبه دادستان»، مانند پرتغال و به عنوان «دوستان دادگاه»، چنانکه در دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر نظیر دادگاه حقوق بشر اروپایی مطرح است.

**۱-۲- به عنوان مدعی خصوصی: در فرآیند کیفری**

وقتی جرمی به وقوع می‌پیوندد، اگرچه به حیثیت عمومی و روح جامعه آسیب وارد شده و اعضای جامعه می‌توانند در

از منافع عمومی که از وظایف دادستان می‌باشد، به این سازمان‌ها واگذار شده است، از آن به عنوان شبه‌دادستان تعبیر می‌شود.

به عنوان نمونه حقوق پرتغال به سازمان‌های مردم‌نهاد حق داده به عنوان «دستیار دادستان» در رسیدگی‌های مربوط به جرائم زیست‌محیطی اقدام کنند. آن‌ها می‌توانند هر اقدامی که می‌تواند یک جرم زیست‌محیطی را تشکیل دهد، به دادستان عمومی اطلاع دهند. پس از شروع تحقیقات کیفری، سمن‌ها می‌توانند یک دادستان خصوصی شوند که به دادستان عمومی کمک می‌کند یا حتی در جایی که برای مثال دادستان عمومی تصمیم می‌گیرد، تعقیب را ادامه ندهد، با او مخالفت می‌کند.

**۲-۲- دوستان دادگاه:** در نظام حقوقی کشورهای آنگلوساکسون که مشورت و خرد جمعی در قضاوت بسیار مورد توجه است، نهادی وجود دارد به نام دوست دادگاه یا یار دادگاه (Amicus Curiae/ Friends of the Court) در موضوعاتی که به تشخیص محکمه لازم باشد، از افراد بی‌طرفی که در آن زمینه‌ها تخصص دارند، به صورت مکتوب یا شفاهاً نظر مشورتی اخذ می‌کنند. این رویکرد در حقوق بین‌الملل نیز مورد استفاده است. از این رو در صورتی که از لحاظ آیین و تشریفات و قواعد رسیدگی، مانعی برای حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در این‌گونه فعالیت‌ها نباشد، آن‌ها نیز می‌توانند به عنوان دوست دادگاه به فرآیند عدالت‌خواهی کمک کنند، از جمله نهادهایی که برای بررسی و مطالعه در گزارش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد مناسب است، دیوان اروپایی حقوق بشر است (۱۷).

گونه اظهارنظرها توسط «دوستان دادگاه» معمولاً در مواردی ارائه می‌گردد که موضوع مطروحه دارای ابعاد اجتماعی گسترده و مربوط به منافع عمومی باشد، مثل قضایای مربوط به حقوق مدنی. اظهار نظر ممکن است توسط افراد خصوصی یا دولت صورت بگیرد. در دادگاه‌های تجدید نظر یا پژوهش آمریکا، اظهار نظرهای فوق‌الذکر فقط در مواردی مجاز است که همراه با رضایت کتبی طرفین و یا به درخواست دادگاه باشد، البته به استثنای اظهار نظرهای دولتی که از این شرط معاف هستند (۱۸). در حقوق ایران تبصره ماده ۳۵ لایحه

راستای حمایت از ارزش‌ها و موجودیت جامعه، با اتکا به حمایت قانونگذار و اقدام به جرم‌انگاری آن رفتار، اعلام جرم نمایند (۱۶)، اما فقط بزه‌دیده مستقیم یا قائم مقام وی می‌تواند به عنوان شاکی، خواستار تعقیب متهم باشد، چراکه این حق، به بُعد خصوصی اشخاص مربوط می‌شود که قانونگذار درصدد حمایت از آنست، ولی جامعه در این موارد بزه‌دیده غیر مستقیم است.

در تقسیم‌بندی جرائم، اقسام مختلفی از حیث تأثیرگذاری منفی بر قربانی و جامعه وجود دارد. برخی جرائم، امنیت جامعه و آسایش فضای عمومی یا ارزش‌ها و حدود شرعی و الهی را مورد خدشه قرار می‌دهند و این تقسیم و تفکیک در ماده ۸ ق.آ.د.ک مورد پذیرش قانونگذار کیفری واقع شده است. از این رو همه افراد جامعه می‌تواند در خصوص جرائمی همچون جرائم علیه محیط زیست، منابع طبیعی، بهداشت عمومی یا میراث فرهنگی، اعلام جرم کنند، چراکه این جرائم از آن دسته جرمی هستند که به همه جامعه ضرر می‌زنند.

این مسأله مهم است که آیا سمن‌ها طرف دعوی عمومی هستند یا خیر؟ و اگر جزء اطراف اصلی دعوی عمومی محسوب نمی‌شوند، سمت آن‌ها در دادرسی چه خواهد بود؟ بر اساس تعاریف قانونی سمن‌ها طرف دعوی عمومی نیستند و گرچه تعیین نقش و سمت آن‌ها نیاز به بیان و تصریح قانونگذار دارد، اما باید گفت که بی‌شک سمن‌ها با سمت نمایندگی و به نیابت از بزه‌دیده که در برخی موارد، شخص حقیقی و بزه‌دیده خاص و در موارد دیگر تمامی افراد جامعه و مصالح همگانی است، وارد جریان دادرسی می‌گردند. به عبارتی می‌توان آن‌ها را نماینده بزه‌دیده (نماینده قانونی) دانست.

**۲-۲- شبه‌دادستانی:** رویکرد شبه‌دادستانی متضمن مشارکت فعالانه سازمان‌های مردم‌نهاد در امر دادخواهی نسبت به موارد نقض و تعدی به منافع عمومی و حقوق بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر است. در این رویکرد، سمن‌ها صرفاً اعلام‌کننده جرم نیستند، بلکه دارای «نفع حقوقی» بوده و ذی‌نفع تلقی شده و از حق طرح دعوا و به تبع آن حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی از آرای صادره در خصوص آن دعوا نیز بهره‌مند می‌باشند. با توجه به این‌که این حق بر مبنای صیانت

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مشابه نهاد دوستان دادگاه می‌باشد.

### ۲- گستره ایفای نقش حمایتی سمن‌ها

در این قسمت قلمرو مداخله و میزان اختیارات سمن‌ها را در هریک از مراحل دادرسی بررسی خواهیم کرد و به این مهم خواهیم پرداخت که آیا می‌توان از بطن ماده ۶۶ اختیارات دیگری نیز برای سمن‌ها قائل شد؟

#### ۱-۳- اعلام جرم و شروع به تعقیب: در حقوق فرانسه

قبل از انقلاب ۱۷۸۹ قدرت شروع تعقیب و ایراد اتهام به افراد عادی جامعه داده شده بود. این فرایند در سیستم حقوقی حال حاضر کشور انگلستان جاری است. طبق این اختیار و اجازه، برای این‌که کسی دعوی عمومی‌ای را به جریان بیندازد، لزومی ندارد حتماً خود، زه‌دیده جرم باشد و این اختیار برای همه افراد جامعه متصور است. این افراد باید درست مثل یک دعوی خصوصی، این دعوا را نیز تا انتها و صدور رأی با مشاور یا وکیل خود پیش برند، هرچند در عمل با اقدام و سرعت عمل پلیس در کشف و تعقیب جرائم، فرصت و لزومی برای این کار باقی نمی‌ماند (۱۹).

مشارکت گروه اجتماعی در اولین مراحل فرایند کیفری، یعنی کشف و شروع به تعقیب جرم، حتی پس از بسته شدن شبکه کیفری و انحصاری شدن آن توسط دولت ادامه پیدا می‌کند. فقط دامنه و میزان آن متفاوت است. گاه می‌تواند مانند آنچه که در کشور انگلستان جاری است، گسترده باشد و گاه محدودتر و کم‌تر از آن میزان. جامعه و اعضای آن با آشکار کردن و اعلام جرم، اقامه شهود و در بیشترین حالت مشارکت با شرکت در جلسات رسیدگی، به عنوان قاضی غیر حرفه‌ای یا مردمی، مثل دادرسان مردمی در دادگاه‌ها اطفال و نوجوانان و هیأت منصفه در دادگاه جنایی مشارکت خود را انجام می‌دهند. این‌گونه حضور و مشارکت در کشورهای تابع نظام کامن‌لا توسعه‌یافته‌تر است. از منظر مطالعات تطبیقی در سیستم حقوقی فرانسه طبق ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاحات سال ۲۰۰۰، اگر جرمی رخ دهد که امکان مساعدت و همراهی این سازمان‌ها در آن وجود داشته باشد تا

زه‌دیده شرایط بهتری پیدا کند، دادستان می‌تواند آن‌ها را آگاه نماید (۲۰).

### ۲-۳- حق دادخواهی یا اعلام جرم؟: حق دادخواهی

بعد از تأسیس سمن‌ها به دو مرحله پیشینی و پسینی تقسیم شد. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در سه ماده ۴، ۱۶ و ۲۲ به حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی اشاره می‌کند. ماده ۴ قاعده کلی حق دادخواهی را مطرح می‌کند و ماده ۱۶ حق اقامه دعوا در حیطه فعالیت‌های سازمان و برای حفظ و دفاع از منافع عمومی در برابر شخص حقیقی یا حقوقی را مقرر می‌کند.

ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۴، اختیار «اقامه دعوا» را برای سمن‌ها قائل شده، ولی ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ به اختیار «اعلام جرم» برای ایشان تصریح دارد و اشاره‌ای به حق دادخواهی و طرح دعوا از سوی سمن‌ها نکرده است. ماده ۱۶ اشعار می‌دارد: «سازمان حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی، علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید.» این ماده حق اقامه دعوا را با دو شرط مطرح می‌کند. نخست در موضوع فعالیت سازمان بودن، یعنی اگر فعالیت سازمانی در حوزه محیط زیست یا دفاع از حیوانات است، در همان زمینه حق اقامه دعوا را دارد؛ دوم این‌که اقامه دعوا به هدف حمایت از منافع عمومی اتفاق بیفتد. با این تفصیل، چارچوب و اسلوب پیش‌بینی شده این حق محل تأمل بود، زیرا که در نظام حقوقی ایران آیین‌نامه اعتباری مانند قوانین عادی را دارا نیست و لزومی به پذیرش و اجرای حتمی آن برای قضات وجود ندارد، چراکه بر اساس اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی، «قضات دادگاه‌ها مکلفاند از اجرای تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.» بنابراین این ماده تضمین مناسبی برای مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در فرآیند کیفری نبود (۲۱).



واسطه برخی تخلفات، مشمول ضمانت اجرای اداری و انضباطی گردند.

#### ۴-۳- اعتبار گزارش و میزان وثوق به اعلام جرم

**سمن‌ها:** اعلام جرم از سوی سمن‌ها با توجه به ماهیت شبه‌دادستانی، نباید همانند افراد عادی باشد، زیرا سایر افراد عادی جز اعلام جرم و در برخی موارد حضور در دادگاه به عنوان شاهد، تأثیر دیگری در جریان دادرسی ندارند. حال آنکه نقش سمن‌ها با اعلام جرم خاتمه نمی‌یابد، به علاوه حساسیتی که مقامات و ضابطان نسبت به اعلام جرم از سوی افراد عادی دارند و ناظر وقوع جرم‌بودن یا دلایل کافی داشتن را برای شروع به تعقیب مد نظر قرار می‌دهند؛ در مورد سمن‌ها تا اندازه زیادی منتفی است، چراکه می‌دانند سمن‌ها به عنوان افراد موثق و مورد اعتماد از تعقیب امر کیفری نفع شخصی را دنبال نمی‌کنند.

اگرچه شروع به تعقیب و اشتغال دستگاه قضا امر مهمی است که بیهوده نباید به جریان افتد و سمن‌ها باید از اعلام جرم واهی و بی‌اساس بپرهیزند، وگرنه مطابق قواعد عمومی با آن‌ها رفتار خواهد شد، اما قانونگذار تصریحی به این امر ندارد که سمن‌ها باید با دلایل قوی و یا کافی اقدام به اعلام جرم کنند، بلکه اعلام جرم توسط آنان را بدون هیچ قیدی آورده و به گونه‌ای فرض را بر موثق‌بودن گفته آن‌ها قرار داده است.

ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جهات قانونی شروع به تعقیب کیفری را مقرر می‌دارد، بدیهی‌ترین آن اقرار و اظهار خود فرد است، دومین مورد وجود شکایت شاکی یا مدعی خصوصی است. مورد بعدی مربوط به دادستان است، این‌که در برابر دادستان، جرمی مشهود اتفاق بیفتد یا وی از راه‌های قانونی دیگر متوجه وقوع جرمی شود. اگر جرم مشهود در برابر بازپرس نیز اتفاق بیفتد، به همین ترتیب خواهد بود و آخرین مورد اعلام و اطلاع‌رسانی ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن است.

#### ۵-۳- مرحله تحقیق: مرحله تحقیق در دادسرا توسط

بازپرس و در برخی جرائم توسط دادستان، دادیاران، ضابطان دادگستری و در جرائم بدون کیفرخواست توسط دادگاه صورت می‌گیرد. در این مرحله اصولی حاکم است، از جمله اصل غیر

با تصویب آیین‌نامه سازمان‌های مردم‌نهاد در سال ۱۳۹۵، نقاط تاریک و مبهم موجود به نسبت قبل تقلیل یافت، زیرا ماده ۲۹ آیین‌نامه مذکور بیان می‌دارد تشکیل‌های مردم‌نهاد از حق «دادخواهی در مراجع قضایی، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوط» برخوردارند. بنابراین حق دادخواهی مقید به مطابقت با قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین شده است که به معنای حق اعلام جرم و مشارکت مذکور در ماده ۶۶ است.

#### ۳-۳- اختیار یا تکلیف به اعلام جرم؟: با توجه به نص

ماده ۶۶ ق.آ.د.ک، سمن‌ها اختیار اعلام جرم دارند و نه تکلیف و الزام. در خصوص افراد عادی مطابق مواد ۶۶ و ۶۵ ق.آ.د.ک. اعلام جرم آن‌ها تنها در صورتی که ناظر وقوع جرم بوده و جرم جنبه عمومی و غیر قابل گذشت داشته باشد، سبب شروع به رسیدگی خواهد شد، ولی چنانچه شاهد جرم نباشند، اعلام آن‌ها همراه با دلایل حاکی از صحت ادعایشان، مقامات را موظف به تعقیب خواهد کرد.

ماده ۱۷ لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که کلیات آن در مرداد ۱۳۹۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید: «هرکس از وقوع جرم یا شروع آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل و نوجوانی مطلع بوده یا شاهد وقوع آن باشد و با وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیت‌دار و کمک طلبیدن از آن‌ها از این امر خودداری کند یا در صورت عدم دسترسی به این مقامات و مراجع و یا عدم تأثیر دخالت آن‌ها در رفع تجاوز و خطر، از اقدام فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع نماید، مشروط بر این‌که با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر متوجه خود او یا دیگران نشود، به یکی از مجازات‌های درجه هفت محکوم می‌شود.» بنابراین در صورت تصویب نهایی این قانون، عدم اعلام جرم تنها در جرم کودک‌آزاری برای سمن‌های بسان سایر اشخاص موجب مسؤولیت کیفری به دلیل ترک فعل خواهد شد.

با این اوصاف، در حال حاضر در هیچ موردی نمی‌توان سمن‌ها را به جهت عدم اعمال اختیارات ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. تحت تعقیب کیفری قرار داد، هرچند خارج از این ماده به

زمینه حقوق و آزادی‌های شهروندان از جمله صلاحیت‌های اختصاصی مجلس شورای اسلامی است، از جمله این حقوق می‌توان به حق بر تشکل و آزادی اجتماعات اشاره نمود که ارتباط تنگاتنگی، با آزادی بیان دارد. آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، طرح پیشنهادی مجلس و پیش‌نویس لایحه دولت نیز به نوبه خود دارای چالش‌هایی می‌باشند که در ادامه به آن‌ها نیز اشاره می‌شود.

#### ۲-۴- نظارت پیشینی و فرآیند سخت‌گیرانه تأسیس

**سمن‌ها:** در حال حاضر مطابق آخرین مقرر، یعنی آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ ابتدا درخواست تأسیس تشکل متناسب با محدوده مورد نظر به دبیرخانه شورای ملی، استانی یا شهرستانی توسعه و حمایت از تشکل‌ها ارائه می‌شود (ماده ۱۴ آیین‌نامه). سپس اجازه تأسیس (موافقت اولیه و موقت) صادر می‌شود (تبصره یک ماده ۱۴). هیأت مؤسس تشکل ظرف یک ماه نسبت به استقرار ارکان تشکل اقدام و اساسنامه و صورتجلسه مربوط به استقرار ارکان را تنظیم و برای تأیید به دبیرخانه شورای ذی‌ربط ارائه می‌کند (ماده ۱۵). پروانه فعالیت تشکل در دبیرخانه شورا صادر و عیناً جهت ثبت رسمی به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال می‌شود (ماده ۲۰). تشکل‌ها پس از دریافت پروانه فعالیت و ثبت آن از حقوق مندرج در آیین‌نامه از جمله حق دادخواهی در مراجع قضایی، برخوردارند و شخصیت حقوقی خواهند داشت (ماده ۲۹).

#### ۳-۴- کم‌رنگ‌شدن ویژگی داوطلبانه‌بودن: این

خصوصیت که می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین علت توفیق و کارآمدی این سازمان‌ها نام برد، سبب می‌گردد تا این سازمان‌ها به دور از بروکراسی خشک دولتی و مقررات سخت‌گیرانه رسمی، به سوی اهداف انتخاب خود گام بردارند. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، در تبصره ۵ ماده ۱ خود، «داوطلبانه‌بودن» را به معنای مشارکت و تأسیس و اداره سازمان بر اساس اصل آزادی اراده اشخاص تعبیر نموده بود، ولی آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، طرح پیشنهادی و پیش‌نویس لایحه دولت، علی‌رغم این‌که در تعریف این سازمان‌ها در متن خود، از داوطلبانه‌بودن به عنوان یکی از

علنی‌بودن و محرمانه‌بودن (ماده ۹۱ ق.آ.د.ک.) که مقصود، سری‌بودن این مرحله نسبت به افرادی غیر از اصحاب دعوا و نسبت به حضور مردم است. متهم و شاکی نیز اجازه مداخله در تحقیقات را ندارند. مطابق ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک. وکیل متهم نیز تنها می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت، دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار و در صورت مجلس منعکس نماید. پس این مرحله بدون دخالت مستقیم اصحاب دعوا تنها توسط مرجع تحقیق (بازپرس، دادیار، ضابط و دادگاه) صورت می‌گیرد. این مرحله نسبت به دادستان، دادگاه، کارشناس و تا حدودی اصحاب دعوا سری نمی‌باشد و این اشخاص اجازه حضور در این مرحله را دارند. سمن‌ها در دعوی موضوع ماده ۶۶ قانون جدید جزء هیچ یک از این افراد محسوب نمی‌شوند.

#### ۴- چالش‌های سیاست جنایی تقنینی

با وجود تعاریف سیاست جنایی مشارکتی در حقوق بسیاری کشورها و از جمله ایران در راه تقنین و تعیین مصادیق و و طریقه اجرای سیاست جنایی مشارکتی در ایران و بسیاری از کشورها مشکلات و معضلاتی دیده می‌شود. این مشکلات در وهله قانونگذاری سیاست جنایی مشارکتی، ممکن است در مرحله نیازسنجی برای تدوین قانون پیش بیایند یا در حین اصلاح قوانین قبلی و یا تدوین قانون جدید مثلاً در تصمیم این‌که چه جرائمی را باید در این سیاست داخل کرد، هرچند این تصمیم در ابتدا آسان به نظر می‌آید، اما در ادامه که باید برای آن مصادیق مطرح کرد، کار دشوار خواهد شد، مشکلی که در برخی قوانین موضوعه فعلی نیز موجود است.

#### ۱-۴- نبود قانون: در حال حاضر در نبود قانون مصوب

قوه مقننه، «آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد» مصوب ۱۳۹۵ هیأت وزیران تنها مقرر حاکم بر ایجاد و تأسیس و... سمن‌ها است. تصویب آیین‌نامه اجرایی در سال ۱۳۸۱ به استناد ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم توسعه بود، اما تصویب این آیین‌نامه با دو ایراد از سوی حقوقدانان مواجه گردید: نخست این‌که اساساً قوه مجریه صلاحیت مقرراتگذاری در حوزه حقوق و آزادی‌های شهروندان را حتی به حکم قانونگذار ندارد و نمی‌تواند به وضع قواعد آمره در این‌باره مبادرت ورزد، زیرا وضع مقررات در

بروکراتیک در ماده ۱۶ این طرح، دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی موظف شده‌اند پیش از عقد قرارداد و تفاهم‌نامه با هر سازمان مردم‌نهادی، از هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد کسب تکلیف نمایند، در نتیجه در صورت تصویب نهایی این طرح، هیچ مرجعی رسمی‌ای بدون اخذ مجوز از هیأت مزبور، اجازه همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد را ندارد.

#### ۵- موانع و چالش‌های اجرایی

چنانکه گذشت، هرچند هنوز سازمان‌های مردم‌نهاد از یک قانون فراگیر در خصوص اصل تأسیس و فعالیت خود بی‌بهره‌اند، ولی ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی سال ۱۳۹۴، سیاست جنایی مشارکتی را مطرح می‌کند و اجازه مداخله و حضور در دادرسی کیفری و سازوکار شروع به تعقیب در آن را به این سازمان‌ها می‌دهد. در راستای رفع ایرادات موجود در قوانین حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد، تدوین و حضور این ماده و مواد شبیه به آن جهشی بزرگ رو به جلوست، ولی باز هم قوانین موجود اعم از قوانین کلی و آیین دادرسی کیفری ناظر به سمن‌ها دارای اشکالات و ابهاماتی است که مانع از تحقق اهداف وضع آن‌ها می‌گردد. برخی از این اشکالات و ابهامات عبارتند از:

#### ۱-۵- کلی‌گویی قوانین در مورد مشارکت سمن‌ها

بدون ارائه سازوکار: در سال‌های اخیر توجه قانونگذار به سازمان‌های مردم‌نهاد جلب شده و در طرح و تدوین قوانین مختلف، آن‌ها را نیز در نظر می‌گیرد، اما این توجه غیر کارآمد و به نوعی شعاری به نظر می‌آید، زیرا معمولاً واجد هیچ سازوکار تحقق‌بخش عینی نیست. به عنوان مثال مطابق ماده ۱۰ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ وزارت کشور موظف شده است «تمهیدات لازم را درباره توسعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد... با رعایت مصالح نظام و در چارچوب قوانین و مقررات مربوط فراهم آورد و گزارش سالانه آن را به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

#### ۲-۵- نفی مشارکت سمن‌ها در فرآیندهای

تصمیم‌سازی: در همین رابطه ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی

خصوصیات این سازمان‌ها نام برده‌اند، اما برخلاف آیین‌نامه سابق، دیگر توضیح و تبیینی در خصوص این ویژگی ارائه نداده‌اند.

#### ۴-۴- سلب ویژگی خودگردانی: سازمان‌های مردم‌نهاد

از نظر مالی خودگردان هستند و هرچند از دولت، خیرین، سازمان‌های بین‌المللی و... کمک‌هایی دریافت می‌نمایند، اما این کمک‌ها به هیچ وجه نباید به گونه‌ای باشد که موجب وابستگی این سازمان به منابع کمک‌کننده گردد و سازمان را از اهداف و تعهداتش دور سازد. این امر که تا حدود زیادی در آیین اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب سال ۱۳۸۴ فراهم آمده بود، متأسفانه در موارد بسیاری در طرح جدید تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد، تهیه‌شده در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، مخدوش گردیده است، به نحوی که در صورت تصویب نهایی این طرح، سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیاری از موارد وصف خودگردانی خود را از دست خواهند داد و در موارد بسیاری فعالیتشان بدون اجازه نهادهای دولتی و هیأت‌های نظارتی ممکن نخواهد بود.

از جمله مواردی که بر اساس این طرح سازمان‌های مردم‌نهاد بدون اخذ مجوز حق فعالیت ندارند، می‌توان به تبصره ۱ ماده ۱۲ «عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها»، تبصره ۲ ماده ۱۲ «دریافت کمک مالی از سازمان‌های بین‌المللی»، ماده ۱۶ «همکاری با نهادهای دولتی»، ماده ۲۸ «تشکیل شبکه توسط چند سازمان»، تبصره ۲ ماده ۳۰ «انتخاب مدیران» و... نام برد. این در حالی است که چنانکه گذشت غیر دولتی بودن و خودگردان بودن سازمان‌های مردم‌نهاد جزء مهم‌ترین خصلت‌های این‌گونه سازمان‌هاست و با تحدید و تضعیف این وصف جایگاه و نقش این سازمان‌ها به شدت متزلزل خواهد گشت.

#### ۵-۴- سخت‌گیری‌های بیشتر: بند «ج» ماده ۱۲ طرح

جدید تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد نیز «تسهیل و کمک به اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی» را از جمله حقوق سازمان‌های مردم‌نهاد دانسته، اما متأسفانه با پیش‌بینی فرآیندی

«سازمان‌های موضوع این قانون می‌توانند از حقوق ذیل برخوردار باشند: دادخواهی در مراجع قضایی و شوراهای حل اختلاف مطابق قانون آیین دادرسی کیفری» و دادخواهی مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری، چیزی جز دادخواهی کیفری نیست.

#### ۴-۵- عدم جرم‌انگاری لازم جهت حمایت از موضوعات

**پیش‌بینی‌شده:** پیش‌شرط حمایت سمن‌ها از موضوعات نه‌گانه مذکور در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، جرم‌انگاری یا حمایت کیفری از این موضوعات است. مطابق اصل قانونی‌بودن جرائم تا زمانی که جرمی تحت عنوان جرائم علیه زنان، کودکان، بیماران یا محیط زیست در قانون کیفری تعریف نشده باشد، اساساً اعلام جرم بی معنا است.

#### ۵-۵- ابهام مشارکت سمن‌ها در نهادهای شبه‌قضایی:

با توجه به تعبیر ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. که ناظر به مراجع قضایی است و عدم تصریح به مراجع شبه‌قضایی، هرچند می‌توان با قیاس اولویت چنین حکمی را برداشت کرد، ولی نمی‌توان انکار کرد که در مورد نقش‌آفرینی سمن‌ها در نهادهای شبه‌قضایی ابهام وجود دارد و همین ابهام ممکن موجب ایجاد موانعی در عمل و اجرا گردد. بند «ح» ماده ۲۹ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ با ذکر عبارت «دادخواهی در مراجع قضایی...»، برخلاف بند «چ» ماده ۴ آیین‌نامه ۱۳۸۴ که بیان می‌داشت «حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی»، بر این ابهام افزوده است.

#### ۶-۵- کاهش محدوده اختیارات: مداخله و مشارکت

سازمان‌های مردم‌نهاد در رسیدگی‌های کیفری در جریان اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری کاهش یافت.

قانون آیین دادرسی کیفری موجود با برهم‌زدن ترکیب حقوق مطرح‌شده برای سازمان‌های مردم‌نهاد در قوانین قبلی، که از شروع فرایند کیفری آغاز می‌شدند، یعنی حق معرفی نماینده برای حضور در دادگاه و دادرسی و دریافت احضارنامه، در ادامه روند دادرسی نیز وجود داشتند، یعنی حق اظهار نظر و ارائه دلیل و تا انتهای آن نیز ادامه می‌یافتند، یعنی حق اعتراض به رأی صادره. عملاً حضور و فعالیت آن‌ها را در

تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب سال ۱۳۸۴ مقرر می‌داشت: «سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی مکلفند در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نسبت به اخذ نظر سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام و حسب مورد آن‌ها را برای شرکت در جلسات دعوت و گزارش از نقطه نظرات ارائه‌شده را در اسناد سازمان ذی‌ربط ثبت نمایند»، اما متأسفانه هیأت وزیران در گامی به عقب و برخلاف مصالح جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد، در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۳ این ماده را صراحتاً لغو نمود. این تکلیف سازمان‌های دولتی و عمومی در ماده ۲۹ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ نیز ملاحظه نمی‌شود.

#### ۳-۵- عدم امکان مشارکت در دادرسی‌های مدنی و

**اداری:** به عنوان مثال تمامی کشورهای عضو اتحادیه اجازه دسترسی به دادگاه‌های اداری جهت طرح دعوی منفعت عمومی در مسائل زیست‌محیطی را دارند، ولی برخی کشورها علاوه بر این امکان طرح دعوی مدنی و شکایت کیفری را نیز به دست آورده‌اند (۲۲). امکان طرح دعوی مدنی و اداری با سیاست کیفرزدایی و قضازدایی کیفری سازگارتر است، ضمن آنکه برای طرح دعوی کیفری، جرم‌انگاری یک رفتار ضروری است و در صورت عدم جرم‌انگاری عملاً امکان مداخله حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد وجود نخواهد داشت.

تنها تعبیری که می‌توانست مفید اعطای حق دادخواهی به معنای عام آن (اداری، مدنی و کیفری) باشد عبارت بند «چ» ماده ۴ آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۴ بود که «حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی» را برای سمن‌ها به رسمیت می‌شناخت. در عین حال به نظر می‌رسد اعطای چنین حقی نیازمند اراده قانونگذار است و فراتر از اختیارات قوه مجریه می‌باشد. بند «ح» ماده ۲۹ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ نیز از حق «دادخواهی در مراجع قضایی، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوط» برای سمن‌ها سخن گفته است، ولی با توجه به عدم پیش‌بینی چنین حقی برای سمن‌ها در قوانین دیگر نمی‌توان دایره آن را گسترش داد. نگارش ماده ۲۶ پیش‌نویس لایحه قانون سازمان‌های مردم‌نهاد نیز از به رسمیت‌شناختن حق دادخواهی کیفری بدون توجه به حق دادخواهی اداری و مدنی، حکایت دارد. مطابق این ماده

قانونی وی عملاً به معنای عدم حمایت است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بزه‌دیدگان مونث خشونت خانگی، پیش از تقاضای کمک، نزدیک به ۳۵ مرتبه مورد حمله قرار گرفته‌اند. هر هفته حدود یک زن از سوی هم‌باش کنونی یا گذشته‌اش کشته می‌شود و بیشتر خشونت‌های خانگی اصلاً به پلیس گزارش نمی‌شود (۲۳). همچنین مطابق مطالعه دیگری بر دادستان‌ها، نزدیک به ۶۰٪ بزه‌دیدگانی که آن‌ها نمایندگی‌شان را بر عهده داشتند، در خلال تعقیب کیفری خشونت خانگی با مقامات قضایی همکاری نمی‌کردند (۲۳). در چنین وضعیتی مشروط کردن مداخله سمن به رضایت بزه‌دیده عملاً هیچ فایده‌ای ندارد.

#### ۹-۵- عدم اطلاع‌رسانی کافی: تکلیف ضابطان و

مقامات قضایی مبنی بر آگاه‌ساختن بزه‌دیدگان از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد (تبصره ۲ ماده ۶۶) هرچند اقدامی مثبت و لازم است، ولی کافی نیست. عمدتاً بزه‌دیدگان با رویه‌های رسمی حقوق کیفری، از تماس با پلیس تا تعقیب کیفری و اخذ دستورات تأمین بیگانه‌اند (۲۳).

#### ۱۰-۵- ابهام در حدود فعالیت و اختیارات: حاکمیت

آیین‌نامه اجرایی مصوب قوه مجریه در نبود یک قانون جامع و مانع، در کنار اشارات پراکنده قانونگذار به نقش سمن‌ها در موضوعات خاص نظیر ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. نوعی ابهام و سردرگمی در حدود فعالیت و اختیارات این سازمان‌ها ایجاد کرده است. شاید خود این سازمان‌ها با توجه به نقاط مبهم قوانین در این زمینه، در رابطه با نحوه ایجاد این مشارکت بی‌اطلاع باشند.

#### نتیجه‌گیری

موضوعات محیط زیستی تمام دارای خاصیت منحصر به فردی هستند که آن‌ها را به عنوان عناصر اصلی حیات ما دارای ارزش بنیادین می‌کند. این موضوعات با ارزش گاه در صورت اهمال در حفاظت از آن‌ها در معرض انقراض و نابودی قرار می‌گیرند و امکان احیای آن وجود ندارد. بنابراین در این زمینه عقل سلیم راهکاری جز پیشگیری خواهد اندیشید؟ به علاوه گاه هزینه اعاده وضع به حالت سابق چنان زیاد است که

رسیدگی‌های کیفری به صفر رسانده است و رسیدن به هدف از وضع این ماده، یعنی حمایت را از دسترس خارج کرده است. موارد باقی‌مانده در شکل جدید ماده به اعلام جرم و مشارکت در مراحل دادرسی خلاصه می‌شوند که بدون ذکر در این ماده نیز وجود داشته‌اند. اعلام جرم حقی است برای همه و اصل علنی‌بودن جلسات رسیدگی مانعی برای حضور در جلسات دادگاه باقی نمی‌گذارد؛ تا آنجا که غیر علنی‌بودن ذکر نشده باشد، هر فردی حق شرکت در جلسات را داراست.

بند «ح» ماده ۲۹ آیین‌نامه ۱۳۹۵ با تعبیر «دادخواهی در مراجع قضایی، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوط» برخلاف تعبیر آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۴ که مقرر می‌داشت «سازمان حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود... در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید» حقوق مندرج در آیین‌نامه را نیز تابع قانون آیین دادرسی قرار داده است.

#### ۷-۵- محدودیت موضوعات قابل حمایت: نقش حمایتی

سمن‌ها در دادرسی کیفری در موضوعات محدودی پذیرفته شده است؛ ماده ۶۶ که دایره فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را حصر می‌کند، بخشی از سازمان‌های مردم‌نهاد مانند فعالین در حوزه حمایت از آسیب‌دیدگان حوادث کاری را در داخل این دایره جای نمی‌دهد و زمینه ناخوشنودی و خرده‌گیری این سازمان‌ها را فراهم می‌کند.

#### ۸-۵- وجود شروط مانع مشارکت: شروط مداخله یکی

دیگر از موانع ایفای نقش حمایتی سمن‌ها است. لزوم اخذ رضایت از بزه‌دیده یا ولی، قیم یا سرپرست قانونی او و در صورت ارتکاب جرم به وسیله ولی، قیم یا سرپرست قانونی، از قیم اتفاقی یا تأیید دادستان (تبصره ۱ ماده ۶۶)، در جرائم دارای بزه‌دیده خاص، مانع بزرگی بر سر راه نقش حمایتی سمن‌ها است، چراکه اصلی‌ترین بزه‌دیدگان موضوع این ماده عبارتند از: اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی و عمده‌ترین جرائم ارتكابی علیه این افراد عبارت است از: کودک‌آزاری و خشونت خانگی. در این دسته از جرائم مطابق آمارهای موجود بزه‌کار از اعضای خانواده بزه‌دیده است (والدین و همسر) و منوط‌کردن نقش حمایتی سمن‌ها به رضایت چنین بزه‌دیده‌ای یا ولی، قیم یا سرپرست

حتی با شناسایی علت اصلی یا علل متعدد دخیل در امر نمی‌توان آن‌ها را محکوم به اعاده وضع به حالت سابق نمود و هر نوع تلاش در این خصوص مستلزم هزینه‌های بسیار سنگین است. توجه به این مسائل اندیشمندان و متخصصان علوم محیط زیستی را به تذکر و طرح گسترده لزوم به کارگیری اقدامات پیشگیرانه از ورود آسیب در مسائل محیط زیستی واداشته است. همچنین تجربه ثابت کرده است که در راستای محافظت از محیط زیست در قبال بسیاری از متخلفان، حتی مجازات‌های شدید و در نظرگرفتن جزای نقدی سنگین نه تنها از جرم نکاسته، بلکه در بسیاری از موارد هزینه‌ها به بقیه تحمیل شده است که خود شامل پیشگیری اجتماعی، آموزش و بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، نقش آموزشی اقدامات شهروندان و سازمان‌های غیردولتی، نقش آموزشی رسانه‌های گروهی، پیشگیری وضعی، نقش نظارتی افراد در جرائم محیط زیستی، کارکرد نظارتی سازمان‌های مردم‌نهاد، کارکرد نظارتی رسانه‌های گروهی می‌باشد. رسانه‌های گروهی در شکل ناظرانی دارای مقبولیت و مخاطبان گسترده مردمی می‌توانند با انتخاب موضوعات خاص و تمرکز بر فعالیت‌های بخش‌های خصوصی این بخش‌ها را وادار به رعایت قانون و احتیاط در فعالیت‌های خود نمایند. به شیوه‌های گوناگون می‌توان از قابلیت‌های رسانه‌های گروهی در جهت پیشگیری از جرم استفاده کرد. قبلاً در خصوص تنوع و گستردگی ابزارهایی که تحت عنوان رسانه‌های گروهی مد نظر ما هستند، صحبت کردیم و دیدیم که به جز رادیو و تلویزیون، که در کشور در اختیار دولت هستند، امکان راه‌اندازی و استفاده از رسانه‌هایی همچون روزنامه‌ها و مجلات از جانب نهادها و افراد غیر دولتی نیز امکان‌پذیر است. رسانه‌ها قادرند نقش مهمی را در خصوص نظارت و افشای جرائمی که از سوی صاحبان صنایع و در نتیجه اعمال آن‌ها رخ می‌دهد، بازی کنند. با توجه به این‌که انعکاس تخلفات و رفتارهای خارج از استاندارد و آسیب‌رسان این نوع عاملان توسط رسانه‌های گروهی، به دلیل مخاطبان گسترده‌ای که این رسانه‌ها دارند، شرکت‌ها و فعالان حوزه‌های صنعتی و تولیدی را با مشکلات مشروعیتی شدیدتری مواجه می‌کند، نسبت به

مراجعات غافل‌گیرکننده و اعلام جرائم توسط رسانه‌های گروهی حساسیت بیشتری وجود دارد. این رسانه‌ها هم با پیگیری گزارش‌های مردمی و هم راساً و از طریق عاملان خود، رفتار صاحبان صنایع و نهادهای دولتی مسؤول حفاظت و نظارت را مورد موشکافی قرار می‌دهند. با تحت پوشش قرار دادن فرآیند مجازات مرتکبان این نوع جرائم و تحت فشار قرار دادن مسؤولان در دلت عمل به خرج‌دادن در مسائل با اهمیت محیط زیستی، به متخلفان بالقوه نسبت به نتایج اعمال خود هشدار می‌دهند و از احتمال تعلق دولت‌ها در این امور در حوزه نظارتی و اجرای قوانین می‌کاهند و از همه مهم‌تر در این فرآیند اطلاع‌رسانی به نوعی در استقرار ارزش‌های محیط زیستی کمک می‌کنند و باعث می‌شوند مردم نسبت به محیط خود حساس‌تر و مسؤولانه‌تر برخورد کرده و در پایش و نظارت بر تخلفات و آسیب‌های احتمالی جدی‌تر برخورد نمایند. در این راستا تأمین استقلال هرچه بیشتر رسانه‌ها در ایجاد حس اعتماد نسبت به رسانه‌ها در مردم، بسیار بااهمیت است. با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد در سیاست جنایی ایران، سازمان‌های مردم‌نهاد در یک فرآیند کامل رسیدگی کیفی دارای نقش‌های مهمی، از جمله ظاهرشدن در قامت مدعی خصوصی، نقش شبه‌دادستانی، نقش آفرینی در قامت دوستان دادگاه، اعلام جرم و تقاضا جهت شروع تعقیب کیفری و... می‌باشند. در واقع به نظر می‌رسد قانونگذار ایران با توجه به گستردگی و اهمیت تعهد به حفاظت از محیط زیست، در سیاست جنایی خود جایگاه بسیار مهمی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته است.

## References

1. Gasen R. Applied Criminology. Translated by Key Nia M. 1st ed. Tehran: Majd Publication; 2013. p.113.
2. Mahdavi M, Ali Nezhad A. Environmental democracy, a participatory approach to responding to environmental damage. *Faslnameh Motale'te Hoghoughe Keyfari va Jorm Shenasi* 2016; 3(1): 82-96.
3. Ghasemi N. Set of environmental rules and regulations. 1st ed. Tehran: Behnami Publication; 2007. p.151.
4. Dadashi MM, Beygi J. The role and position of non-governmental organizations in environmental litigation. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publication; 2017. p.103.
5. Mir Ma'soum Nezhad SM. Investigating the participation of non-governmental organizations in the fight against crimes against the environment. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publication; 2017. p.59.
6. Ramezani Ghavam Abadi MH. A reflection on the role and position of non-governmental organizations in environmental criminal cases. *Useful letter magazine* 2008; 16(67): 126-137.
7. Moghimi SM. The Relationship between Environmental Factors and Organizational Entrepreneurship in Non-Governmental Organizations (NGOs) in Iran. *Iranian Journal of Management Studies* 2011; 12(1): 139-170.
8. Ryfman PH. Les ONG la Decouverte. Paris: Editions La Découverte; 2009. p.1.
9. Golshan Pazhouh MR. Guide for NGOs. 2nd ed. Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Cultural Studies and Research; 2006. p.29, 105.
10. Mohamadi M. NGOs Definition and classifications. *Quarterly Journal of Management Studies* 2004; 41(42): 236-249.
11. Resolution 1996/31 of the Economic and Social council: Consultative relationship between the United Nations and non-governmental organizations.
12. Available at: <http://www.onorg/dpi/negsection>. Review in May 20, 2020.
13. Recommendation CM/Rec (2007) 14 du Comite' des Ministres aux Etats members sur le statut juridique des organizations non gouvernementales en Europe.
14. La loi du 1er juillet 1901 relative au contract d'association.
15. Jam F. Access to environmental justice. *Journal of Fundamental Rights* 2008; 11(9): 28-41.
16. Khaleghi A. Criminal Procedure. 28th ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publication; 2015. Vol.1 p.29.
17. Ramezani Ghavam Abadi MH. Prevention and suppression of environmental crimes in the light of the actions of non-governmental organizations in the Iranian legal system. *Legal Journal of Justice* 2011; 7(5): 88-96.
18. Aghaii B. Bahman Legal Dictionary. 1st ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publication; 1999. p.71.
19. Rostami V. People's participation in the criminal process. *Law Quarterly* 2007; 14(2): 145-159.
20. Vouraii A, Mohamadi H, Nourian A. Participation of non-governmental organizations in the criminal process. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research* 2016; 22(8): 37-48.
21. Koushki GHH. NGOs from passivity to active involvement in public litigation. *Quarterly Journal of Criminal Law Research* 2013; 2(4): 127-139.
22. De Sadeleer N, Roller G, Dross M. Access to Justice in Environmental Matters. Final Report, ENV.A.3; ETU; 2002; 0030. 2002. p.8.
23. Brooks T. Punishment. Translated by Kazem Nazari MA. 1st ed. Tehran: Mizan Publication; 2016. p.301-302.